

سکه‌های ایران

دورهٔ ایلخانان مغول



بهرام علاء الدینی

انتشارات
برگ‌نگار

سرشناسه	: علاء الدینی، بهرام، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: سکه‌های ایران: دوره ایلخانان مغول / بهرام علاء الدینی؛
مشخصات نشر	: ویراستار پویا علاء الدینی،
مشخصات ظاهری	: تهران: برگ‌نگار، ۱۳۹۵.
شابک	: ۶۳۲ ص.: مصور.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۵۲-۶۲-۸
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۶۲۸.
موضوع	: Coins, Iranian - History: سکه‌های ایرانی - تاریخ؛
	: Coins, Ancient - Iran: سکه‌های باستانی - ایران؛
	: Numismatics - Iran: سکه‌شناسی - ایران؛
	: ایران - تاریخ - مغول و ایلخانان، ۶۱۶ - ۷۵۶ ق.
موضوع	: Iran - History - Mongols and Khanids, 1258 - 1355
رده بندی کتره	: ۱۳۹۵ س ۸ ع ۷۸ / CJ ۳۷۶۴
رده بندی دیویی	: ۷۳۷/۴۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۶۲۳۳۸

انتشارات
برگ‌نگار

سکه‌های ایران - دوره ایلخانان مغول

بهرام علاء الدینی

- ویراستار: دکتر پویا علاء الدینی
- صفحه‌آرایی و طراحی جلد: محمد نجفی‌زاده
- لیتوگرافی و چاپ: طیف‌نگار
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵؛ تیراژ: ۵۰۰ جلد
- قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۳۵۲ - ۶۲ - ۸

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

استفاده از مندرجات این کتاب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: خیابان شهید رجایی، خیابان پارس، میدان پارس،

مجمع تجاری پارس، زیر همکف، شماره ۲۹.

تلفن: ۴۴۷۵۱۰۶۸ - ۴۴۷۵۱۰۸۱ - ۵۵۰۴۳۰۱۵

www.bargnegar.com

info@bargnegar.com

فهرست

۷	مقدمه
۸	خاکسگاه مولان
۸	اصل و نسب جنگ خان
۹	حملة سپاه مغول بر سرزمین ایران
۱۰	بازگشت چنگیز بن به خوارزمشاهیان
۱۰	عاقبت کار سلطان جهال الدین و اندیشه خوارزمشاهیان
۱۱	فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران
۱۲	فهرست اسامی ایلخانان مغول ایران
۱۲	خان‌های بزرگ مغول
۱۳	ایلخانان مغول ایران
۱۴	سپاسگزاری از دوستان و همراهان گرامی
۱۵	چنگزخان (جنگیزخان)
۱۹	اوگتای قاآن
۲۱	توراکینا خاتون
۲۳	منگو قاآن
۲۷	مونگکا قاآن - هولاکوخان
۳۳	آباقا
۴۹	احمد (تکودار)
۵۵	ارغون
۸۹	گیخاتو (ارینجین تورجی)
۹۹	بایدو

- غازان محمود ۱۰۷.
- محمد خدا بنده (اولجایتو) ۱۵۷.
- ابوسعید ۲۲۷.
- آریا خان ۴۶۷.
- موسی خان ۴۷۵.
- محمد خان ۴۸۱.
- ساتویک خان ۵۲۱.
- جهان تیررخان ۵۳۱.
- طغتنیرخان ۵۳۵.
- سلیمان خان ۵۷۹.
- انوشروان ۶۰۵.
- غازان خان (غازان دوم) ۶۲۵.
- منابع ۶۲۸.

مقدمه

این کتاب برای معرفی سکه‌هایی که توسط فرمانروایان مغول از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن هشتم هجری قمری در سرزمین گسترده ایران ضرب شده به نگارش درآمده است. نخستین سکه مغولان در ایران به نام چنگیزخان، ضرب غزنین در سال ۶۱۸ هجری قمری، و آخرین سکه این سلسله مربوط به غازان خان (غازان دوم) است که در شهر قم و احتمالاً به سال ۷۵۸ هجری قمری ضرب شده است. اگرچه سکه‌های ضرب‌شده توسط ایلخانان مغول از جنس طلا، نقره و مس بوده است، اما رایج‌ترین حجم کتاب از معرفی سکه‌های مسی در این مجموعه خودداری می‌شود. تعداد سکه‌های مسی ضرب‌شده در دوره ایلخانان مغول، به خصوص در اواخر فرمانروایی آنان، بسیار زیاد و خوردنیازند نگارش کتابی مستقل است.

سکه‌های ایلخانان مغول از لحاظ تنوع طرح‌ها، زیبایی خطوط و نقوش جزو بهترین سکه‌های فرمانروایان بعد از اسلام در ایران محسوب می‌شوند. ایلخانان مغول بر سرزمینهای بسیار گسترده‌ای، از شرقی‌ترین مناطق خراسان بزرگ تا غربی‌ترین مناطق آسیای صغیر، فرمانروایی می‌کرده و در بیش از دویست و پنجاه شهر بزرگ و کوچک سکه‌هایی ضرب نموده‌اند. از این رو، معرفی سکه‌های ضرب‌شده در تمامی این شهرها تقریباً از هئده هیچ محققى بر نمى آید. همچنین، در شهرهای کوچک و مناطق دوردست امپراطوری مغولان به دلایل مختلف، از جمله عدم آشنایی سرسکه‌سازان با الفبای فارسی/عربی و نیز نداشتن مهارت کافی برای تهیه سرسکه مناسب، تعدادی از اسامی شهرهایی که در آنها سکه ضرب شده است اصلاً قابل شناسایی نیستند. بنا بر این، سکه‌های معرفی‌شده در این مجموعه تنها بخشی از کل سکه‌های ضرب‌شده در طول دوران فرمانروایی ایلخانان مغول ایران در این مناطق را تشکیل می‌دهد و مشتمل بر نمونه‌هایی است که طی چهل سال گذشته در معرض تفحص نگارنده قرار گرفته است.

بعضی از سکه‌های مغولان دارای نوشته‌هایی به خط ایغوری است. برای خواندن این نوشته‌ها از کتاب ارزشمند سکه‌های مغولان ایران، که توسط روان‌شاد عمر دیلر محقق دانشمند کشور ترکیه نوشته شده، استفاده نمودم.^۱ در ادامه، اطلاعات مختصری در مورد خاستگاه مغولان

1. Diler, Omer, *Ilkhans: Coinage of the Persian Mongols*, Istanbul: Turkuaz KitapçılıkYayıncılık Limited Sirketi, 2006.

و معرفی فرانروایانشان در اختیار خوانندگان محترم قرار داده می‌شود. این اطلاعات عموماً از تاریخ ایران^۱ و تاریخ مغول^۲ استخراج شده است.

خاستگاه مغولان

خاستگاه اصلی مغولان مناطق شمالی و شرقی آسیای مرکزی بوده که از مشرق و جنوب در همسایگی چین و از مغرب در مجاورت مناطق تحت امر ایران در زمان خوارزمشاهیان قرار داشته است. این مردمان پرتاقت در استپ‌های سردسیر آسیای مرکزی، با تحمل شرایط بسیار دشوار طبیعی و معیشتی، از طریق دامداری و صحراگردی، زندگی می‌کرده‌اند. در آن زمان، به جز عده‌ای کوچی از آریایی‌های کاشغر و ختن و ایرانیان ماوراءالنهر و خوارزم، تمام مناطق بین دریای مازنران تا دیوار چین محل سکونت طوایف مختلف و متعدد ترک و مغول بوده است که گهگاه به حملات غارتگرانه به سرحدات ایران و چین نیز دست می‌زدند. از آنجا که دو کشور متممکن زمان، یعنی ایران و چین، برای برقراری روابط بازرگانی خود ناچار بوده‌اند از قسمت‌های جنوبی و غربی این سرزمین عبور نمایند، برای حفظ جاده ابریشم و ادامه روابط بازرگانی که برای آنان اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است، خواه و ناخواه با مردمان آن مناطق، یعنی ترکان و مغولان، در تماس بودند. اهالی بازرگانی، گاهی با تهدید و زمانی با پرداخت هدایا به سران قبایل، مفتوح نگاه داشته می‌شدند.

اصل و نسب چنگیزخان

مغولان از قبایل مختلف و متعددی تشکیل می‌شدند. چنگیزخان، سرسلسله ایلخانان مغول ایران (تولد در حدود سال ۵۴۹ هجری قمری)، فرزند یسوکاچ، چهارمین رئیس قبیله قیات، بوده است. او در سیزده سالگی پدرش را از دست داد و به عنوان رئیس قبیله به نام بدر نشست. چنگیزخان طی جنگ‌های متعدد توانست بر کلیه قبایل مغول پیروز گردد و همه آنان را فرمانبردار خود نماید. قدرت نظامی چنگیز، پس از پیروزی بر تمام قبایل مغول و متحدان آنان، چنان بالا گرفت که در سال ۶۱۲ هجری قمری شهر پکن پایتخت چین شمالی را به تصرف خود درآورد. طبق گفته تاریخ‌نویسان، چنگیزخان که در این سال‌ها همه مناطق غربی مغولستان را نیز تصرف نموده و تقریباً با سرزمین‌های تابع خوارزمشاهیان همسایه شده بود، بسیار علاقمند بود با دولت بزرگ و نیرومند خوارزمشاهیان ایران، روابط بازرگانی برقرار نماید. بنا بر این، در سال ۶۱۵ هجری قمری، با اعزام نماینده‌ای به دربار سلطان محمد خوارزمشاه، توافقنامه‌ای مبنی

۱. بیرونی، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران، از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶.
۲. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

بر حمایت از روابط بازرگانی و اعزام بازرگانان طرفین به کشورهای یکدیگر بین چنگیزخان و سلطان محمد منعقد گردید. متعاقب این توافقنامه، حدود پانصد نفر از بازرگانان مغول با مقادیر معتابهی کالای بسیار مرغوب و گران بها به شهر اترار، که اولین شهر بزرگ همجوار مغولان بود، وارد شدند. در آن زمان فرمانروای اترار شخصی به نام غایرخان، از خویشاوندان ترکان خاتون مادر خوارزمشاه بود. این حاکم، علی رغم توافقنامه منعقد بین دو کشور، به عوض حمایت از بازرگانان مغول و تقویت روابط سالم و دوستانه بین ایران و مغولستان، به طمع تصاحب اموال آنان کلیه بازرگانان مغول را به استثنای یک نفر، که موفق به فرار شد، به قتل رسانید. هنگامی که این خبر به چنگیزخان رسید، سفیری نزد خوارزمشاه فرستاد و از او خواست که غایرخان را به او تسلیم نماید. خوارزمشاه نه تنها از تسلیم غایرخان خودداری نمود، بلکه سفیر چنگیز را نیز به قتل رسانید و با انجام این عمل شنیع خشم چنگیزخان و قوم متعصب مغول را برانگیخت. در نتیجه آن، سپاهیان چنگیزخان به قصد انتقام خون بازرگانان بی گناه مغول، همپون سال ویرانگر، به سوی ایران سرازیر شدند.

حمله سپاهیان مغول به سال ۶۱۶ هجری قمری

در پاییز سال ۶۱۶ هجری قمری، چنگیزخان به همراه پسرانش جوجی (توشی)، جغتای، اوگدای (اوگتای) و تولی (تولوی) با سپاهی که تعداد افراد آن را تا ۶۰۰ هزار نفر نوشته اند، به خاک ایران تجاوز کردند. لشکریان مغول در ماه رجب حصار مستحکم شهر اترار را که از طرف مشرق نزدیک ترین شهر به مغولستان بود به محاصره درآوردند. پس از مدتی، علی رغم مقاومت دلیرانه مردم و فرمانروای شهر اترار، سپاهیان مغول آن شهر را به تصرف خود درآورده، ابتدا غایرخان و سپس تمام مردم آن شهر را به قتل رسانیدند. در سال ۶۱۷ هجری قمری سپاهیان مغول تمام شهرهای آباد و پررونق ماوراءالنهر، بخارا و سمرقند را نیز با خاک یکسان کردند و در تعقیب سلطان محمد، که به داخل ایران گریخته بود، از جیحون گذشتند و شهرهای مسیر راه را ویران و همه مردم را از بزرگ و کوچک قتل عام نمودند.

سلطان محمد چون شنید که مغولان در تعقیب او هستند، راهی مازندران شد و سپاهیان مغول به دنبال او به مازندران رفتند. سلطان محمد برای فرار از دست مغولان سوار بر کشتی شد، تا به جزیره آبسکون در دریای مازندران پناه ببرد. در همین هنگام مغولان به ساحل دریا رسیده، کشتی او را تیرباران کردند، ولی سلطان محمد موفق به فرار شد. مغولان چون فاقد کشتی بودند نتوانستند او را تعقیب کنند. سلطان محمد مدت کوتاهی پس از رسیدن به جزیره آبسکون به سختی بیمار شد، و چون شنید که مغولان بر خانواده او دست یافته، فرزندان کوچک او را به قتل رسانیده و زنان او را به اسارت برده اند، در اثر بیماری و اندوه از دست دادن آن همه

عظمت و قدرت، در ماه شوال ۶۱۷ هجری قمری در جزیره آبسکون جان سپرد. چنگیز در سالهای ۶۱۸ و ۶۱۹ هجری قمری ابتدا خوارزم و سپس تمام شهرهای خراسان مانند مرو، نیشابور، غزنین و هرات را نیز به تصرف درآورده و مردم را قتل عام کرده بود. گفته می‌شود که فقط در نیشابور نزدیک به یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر از مردم به قتل رسیدند، که اغراق آمیز ولی در عین حال نشان دهنده وسعت قتل عام است. در سال ۶۱۹ هجری قمری، که چنگیز در تعقیب جلال الدین پسر ارشد سلطان محمد خوارزمشاه به سرحد رود سند رفته بود، پس از عبور شجاعانه جلال الدین از رود سند و ورود او به هندوستان و نیز به دلیل شنیدن خبر شورش مردم چین شمالی و تبت بر علیه فرمانروایان مغول در آن نواحی، تصمیم گرفت به مغولستان بازگردد.

بازگشت چنگیز خان به مغولستان و مرگ او

در سال ۶۱۹ هجری قمری، چنگیز از پیشاور به کابل و از آنجا به حوالی رود جیحون رفته، پس از گذراندن تا سال ۶۲۰ در پاییز همان سال از رود جیحون گذشته، به سمرقند وارد شد. چنگیز، که به سبب نداشتن آب و هوای نواحی هندوستان به سختی بیمار شده بود و مرگ خود را نزدیک می‌دید، در سال ۶۲۱ هجری قمری، دستور تشکیل شورای بزرگی (قوریلتا) از فرزندان و سردارانش را صادر کرد. در این شورا تصمیمات بسیار مهمی اتخاذ شد، و در ضمن آن تمام متصرفات چنگیزی بین پسران او تقسیم گردید. مدت کوتاهی پس از تشکیل این شورا، یعنی در سال ۶۲۱ هجری قمری، چنگیز به اردکگاه اصلی خود در مغولستان مراجعت نمود.

چنگیز، پس از استقرار در مغولستان و فراهم نمودن مقدمات جنگ، به ولایت تنگوت در شمال تبت که پادشاه آنجا سر به عصیان برداشته بود - مله‌ور گردید و در جنگ سهمگینی، با درهم شکستن سپاهیان و قتل عام مردم آن سرزمین، آنجا را در آن مناطق برقرار نمود. پس از این نبرد، بیماری چنگیز شدت یافت و در ماه رمضان سال ۶۲۱ هجری قمری در سن ۷۲ سالگی به دیار باقی شتافت. ظاهراً شش ماه قبل از مرگ چنگیز، پسر بزرگ او جوجی نیز در دشت قباچاق جان سپرده بود. بعضی از مورخان نوشته‌اند که جوجی، چون از خلع عام مردم و ویرانی شهرها به دست چنگیز ناخوشنود بود و حتی به سبب انجام این اعمال غیراساسی او را دیوانه خوانده بود، به دستور چنگیز مسموم شد.

عاقبت کار سلطان جلال الدین و انقراض خوارزمشاهیان

پس از مرگ چنگیز، جلال الدین پسر ارشد سلطان محمد خوارزمشاه که مدتی در هندوستان متواری بود به ایران بازگشت و با جمع آوری سپاه به تمشیت امور پرداخت. اما چون از یک طرف سپاهیان مغول پیوسته درصدد قتل او بودند و از طرف دیگر شیرازه کارها به کلی

از هم گسیخته بود. دائماً با سپاهیان مغول، ملوک ایران غربی، خلیفه بغداد و ملکه گرجستان در حال نبرد بود. که به دلیل رشادت و جنگاوری خارق العاده اش غالباً بر دشمنان پیروز می گردید. اما از آنجا که ذاتاً عیاش و بی بهره از سیاست و تدبیر و در عین حال بسیار بی رحم و حق ناشناس بود، نه تنها مردم از اعمال و رفتار او رضایتی نداشتند، بلکه حاکمیت مغولان را بر اطاعت از او ترجیح می دادند. در نتیجه، جلال الدین از حمایت مردم بی نصیب ماند و در سال ۶۲۷ هجری قمری، در نبرد با علاء الدین کیقباد از سلاجقه روم، در نزدیکی ارزنجان شکست خورد و به آذربایجان گریخت، و در آنجا به خوشگذرانی پرداخت. در این موقع لشکریان مغول از غفلت و ناآگاهی او استفاده کردند و به او حمله ور شدند، ولی جلال الدین این بار نیز از دست سپاهیان چنگیزی گریخت و به ارومیه رفت تا از ملوک آنجا یاری طلبد. اما در آنجا کسی او را یاری نکرد و او ناچار شد به میافارقین بگریزد. جلال الدین عاقبت در نیمه شوال سال ۶۲۸ هجری قمری به دست جمعی از کردان آن منطقه به قتل رسید.

با قتل سلطان بلال الدین، سلسله خوارزمشاهیان منقرض گردید، و سپاهیان مغول که دیگر هیچ معارضی در برابر خود نداشتند، تمامی مناطق آذربایجان، گیلان، ارمنستان و گرجستان را نیز به تصرف خود درآوردند، و این تاریخ تا سال ۶۵۴ هجری قمری که هولاکوخان، نوه چنگیزخان (فرزند تولوی) در ایران مستقر گردید، حاکمان مغول در ایران با فرمان خان بزرگ مستقیماً از مغولستان به ایران حاکم می گردیدند. این حاکمان با کمک و همکاری دبیران ایرانی به جمع آوری مالیات و اداره امور کشور بزرگ ایران می پرداختند.

فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران

اگرچه تا سال ۶۵۱ هجری قمری سپاهیان مغول، غیر از تسلط تحت فداثیان اسماعیلی، تقریباً تمام خاک ایران را به تصرف خود درآورده بودند، اما خلیفه عباسی همچنان در بغداد بر سر کار بود. در این سال، هولاکوخان به دستور برادرش منگوقاآن، خان بزرگ مغول، برای از میان برداشتن خلیفه، به بغداد اعزام گردید. در اواخر سال ۶۵۱ هجری قمری، هولاکوخان با ۱۲۰ هزار نفر از سپاهیان زبده مغول، به همراه جمعی از شاهزادگان و امرا و تعدادی منشیان و عراده جنگی، به طرف ایران حرکت کرد و در سال ۶۵۵ هجری قمری برای برکناری خلیفه عباسی به سوی بغداد لشکر کشید. چون می خواست بدون جنگ و از دست دادن سربازانش به مقصود خود نایل شود، تصمیم گرفت با اعزام نمایندگان از طرف خود خلیفه را وادار به تسلیم نماید. اما خلیفه زیر بار تسلیم نرفت. هولاکو نیز، پس از محاصره طولانی مدت و حملات مکرر، بغداد را متصرف شد و ضمن کشتار چندصد هزار نفر از مردم آن شهر، در اواخر ماه صفر سال ۶۵۶ هجری قمری، با قتل المستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی، حکومت ۵۲۵ ساله بنی عباس را از میان برداشت.

هولاکوخان، در سال ۶۶۳ هجری قمری، در حالی که تمام ایران و عراق را در تصرف خود داشت، به سن ۴۸ سالگی در آذربایجان در گذشت. پس از مرگ هولاکو، پسرش اباقا و بعد از او افراد دیگری از این خاندان به سلطنت رسیدند و حکومت آنان در ایران تا سال ۷۵۸ هجری قمری ادامه یافت. فرمانروایان مغول در ایران از هولاکو به بعد به نام ایلخانان مغول ایران معروف شدند.

فهرست اسامی ایلخانان مغول ایران

در ادامه فهرستی از ایلخانان مغول ایران جهت اطلاع خوانندگان عرضه می‌گردد. لازم به ذکر است که پس از مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان قدرتمند مغول در ایران، چون از او اولاد ذکوری باقی نماند، بود، هریک از سرداران و حاکمان محلی قدرتمند برای حفظ منافع خود یکی از نوادگان ایلخانان قبلی را در یک گوشه از ایران به پادشاهی برگزیدند و به نام او اقدام به ضرب سکه نمودند. به ویژه، از ۷۳۶ تا ۷۵۸ هجری قمری، که سال اضمحلال مغولان در ایران است، این عمل امری کاملاً رواج یافته بود. به عنوان مثال، در سال ۷۴۶ هجری قمری، طغاتی‌مور، سلیمان و انوشیروان همزمان در بسیاری از شهرها به نام خود سکه‌هایی ضرب کرده‌اند، که تعدادی از آنها در همین مجلد معنی شده است.

همچنین، در سال‌های پادشاهی سلطنت ابوسعید، نحوه تاریخگذاری بر سکه‌ها از هجری قمری به ایلخانی (الخانیه) تبدیل شده و این تغییر در تاریخگذاری برای اکثریت قریب به اتفاق مجموعه‌داران و علاقمندان به سکه و سکه‌شناسان و صاحب‌نظران در این مورد و نامفهوم بوده است. از آنجا که تاکنون از طرف سکه‌شناسان و صاحب‌نظران در این مورد توضیحات کافی و قابل قبولی داده نشده است، نگارنده لازم دانسته است، با استناد به منابع موثق تاریخی، مبدأ و مآخذ تاریخ ایلخانی و رابطه آن با تاریخ هجری قمری را در مبحث مربوط به معرفی سکه‌های ابوسعید در این مجموعه به طور مشروح به نظر خوانندگان محترم برساند.

خان‌های بزرگ مغول^۱

۱۳۴۷ هجری قمری

۶۳۹-۶۲۶ هجری قمری

۱. چنگیز خان پسر یسوکای بهادر

۲. اوگتای قآن پسر چنگیز

۱. خان‌های بزرگ مغول را، که عموماً از بین فرزندان و نوادگان چنگیز خان انتخاب می‌شدند، خاقان یا قآن می‌نامیدند. این خان‌ها همگی در چین اقامت داشتند و حاکمان کشورهای فتح شده توسط مغولان، و از جمله ایران، با فرمان خان بزرگ به حکومت منصوب می‌شدند. این حاکمان در حقیقت نایب خان بزرگ محسوب می‌گردیدند. البته حاکمان مغول مستقر در ایران، پس از چندی، ارتباط خود را با خان بزرگ قطع و کاملاً مستقل شدند و در تاریخ به نام ایلخانان مغول ایران معروف گردیدند. اگرچه مرکز حکومت ایلخانان مغول ایران غالباً در تبریز بوده است، اما علاوه بر سرزمین امروزی ایران مناطق بسیار گسترده‌ای از کشورهای همجوار ایران مانند عراق، ترکیه، گرجستان، اومنستان، جمهوری آذربایجان و سوریه را نیز در اختیار داشته و در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک آنها سکه ضرب نموده‌اند.

۳. گیوک پسر اوگتای ۶۳۹-۶۴۷ هجری قمری
۴. منگو (منگکا) پسر تولوی ۶۴۷-۶۵۸ هجری قمری
۵. قوبیلای پسر منگو ۶۵۸-۶۹۳ هجری قمری

ایلخانان مغول ایران^۲

۱. هولاکو پسر تولوی ۶۵۴-۶۶۳ هجری قمری
۲. آباقا پسر هولاکو ۶۶۳-۶۸۰ هجری قمری
۳. احمد تکم دار پسر هولاکو (برادر آباقا) ۶۸۱-۶۸۳ هجری قمری
۴. ارغون پسر آباقا ۶۸۳-۶۹۰ هجری قمری
۵. گیخان (ابو جین تورجی) پسر آباقا (برادر ارغون) ۶۹۰-۶۹۴ هجری قمری
۶. بایدو پسر طرغای نوه هولاکو (حدود شش ماه ۶۹۴ هجری قمری)
۷. غازان محمود پسر ارغون ۶۹۴-۷۰۳ هجری قمری
۸. اولجایتو (محمد خدابنده) پسر ارغون (برادر غازان محمود) ۷۰۳-۷۱۶ هجری قمری
۹. ابوسعید پسر محمد خدابنده ۷۱۶-۷۳۶ هجری قمری
۱۰. آریاکاؤن (از نوادگان اریق بوکا برادر هولاکو) ۷۳۶ هجری قمری (حدود ۶ ماه)
۱۱. موسی خان پسر علی (نوه بایدو) ۷۳۶-۷۳۷ هجری قمری
۱۲. محمدخان از نوادگان منگو تیمور پسر ارغون ۷۳۶-۷۳۸ هجری قمری
۱۳. طغای تیمورخان از نیره زادگان یکی از برادران چنگیزخان ۷۳۷-۷۵۴ هجری قمری
۱۴. ساتی بیک خان دختر محمد خدابنده (خواهر ابوسعید) ۷۳۹-۷۴۱ هجری قمری
۱۵. جهان تیمورخان پسر آلافرنگ (نوه گیخان، دست نشانده) ۷۴۰-۷۴۱ هجری قمری
۱۶. شیخ حسن بزرگ جلایری (نیره هولاکو، دست نشانده) ۷۴۰-۷۴۱ هجری قمری
۱۷. انوشیروان عادل (دست نشانده ملک اشرف چوپانی) ۷۴۰-۷۴۱ هجری قمری
۱۸. غازان خان (غازان دوم) ۷۴۵-۷۵۷ هجری قمری

۱. از ۶۳۹ تا ۶۴۴ هجری قمری، تورکینا خانن مادر گیوک به عنوان نایب السلطنه انجام امور سلطنت را بر عهده گرفته و از ۶۴۴ تا ۶۴۷ هجری قمری گیوک مستقل زمام امور را در دست داشته است؛ بنگرید به پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶.

۲. بر اساس Album, Stephen (2011), *Checklist of Islamic Coins*. Santa Rosa, CA: Stephen Album Rare Coins, 2011. پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶؛ اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول: از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.